
بررسی نقش شباهت زوجها از نظر ویژگی‌های شخصیتی و بلوغ عاطفی در رضایت زناشویی

دکتر محسن منصوبی فر^۱

فرزانه ناهیدپور^۲

چکیده:

هدف پژوهش کنونی بررسی نقش شباهت زوجها از نظر ویژگی‌های شخصیتی و بلوغ عاطفی در رضایت زناشویی بود. به همین منظور، تعداد ۱۵۰ زوج (۳۰۰ نفر) از زوج‌های مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر کرج به روش نمونه گیری دردسترس انتخاب شدند. برای گردآوری اطلاعات از سه پرسشنامه پنج عاملی شخصیت، پرسشنامه تمایز خود، پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ استفاده شد. پس از جمع آوری پرسشنامه‌ها، اطلاعات به دست آمده با استفاده از روش‌های آماری همبستگی پیرسون و آزمون تی برای گروه‌های مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها نشان داد، زوج‌هایی که ویژگی‌های شخصیتی مشابه دارند، نسبت به زوج‌هایی که ویژگی‌های شخصیتی متفاوت دارند، رضایت زناشویی بیشتری دارند. همچنین، زوج‌هایی که از نظر عاطفی بالغ هستند، نسبت به زوج‌های نابالغ از رضایت زناشویی بیشتری برخوردارند.

واژگان کلیدی:

ویژگی‌های شخصیتی، بلوغ عاطفی، رضایت زناشویی

^۱ - استادیار روان شناسی گروه روان شناسی، دانشکده روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران.

Email:mansoobifar@yahoo.com

^۲ - عضو هیات علمی مدعو دانشکده روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.

مقدمه:

در دهه‌های گذشته این پرسش که چگونه ازدواج شکل می‌گیرد و کدام عامل‌ها بر شکست یا موفقیت آن تأثیر می‌گذارند، پژوهش‌های بسیاری را برانگیخته است (برادبوری، فینچم، و بیچ، ۲۰۰۰؛ گاتمن و لوینسون، ۲۰۰۰). این پژوهش‌ها به این نتیجه رسیدند که ویژگی‌های شخصیتی مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری، حفظ، و فروپاشی ازدواج هستند. به طور کلی، ویژگی‌های شخصیتی بر شیوه‌ای که همسران یکدیگر را درک و با هم تعامل می‌کنند تأثیر می‌گذارد و تعیین می‌کند که چگونه اختلافات زناشویی درک و مطرح می‌شوند (برادبوری و فینچم، ۱۹۸۸ به نقل از بارلدس و بارلدس-دی جکسترا، ۲۰۰۶).

برای دهه‌ها، محققان مایل بودند عواملی را که منجر به رضایت زناشویی می‌شوند، شناسایی نمایند که در این میان، پیوند میان ویژگی‌های شخصیتی و رضایت زناشویی توجه زیادی را به خود جلب کرده است. از زمان ترمن و همکاران (۱۹۳۸ به نقل از چن و همکاران، ۲۰۰۷) مطالعات بسیاری به بررسی ارتباط میان شخصیت و رضایت زناشویی پرداخته‌اند. سه گروه مطالعه درباره این موضوع وجود دارد: یک گروه از مطالعات بر این مسأله تمرکز نمودند که چگونه شخصیت فرد سازگاری زناشویی او را پیش‌بینی می‌کند. به عبارت دیگر، این مطالعات در پی دادن پاسخ به این پرسش هستند که چه کسی از رابطه رضایت دارد؟ (نیر و همکاران، ۲۰۰۴). برای نمونه، نشان داده شده است که از میان پنج عامل بزرگ شخصیت، ویژگی روان‌رنجورخویی قدرتمندترین پیش‌بینی‌کننده عدم ثبات رابطه و نارضایتی زناشویی است (رابینز و همکاران، ۲۰۰۰؛ واتسون، هابارد و وایس، ۲۰۰۰). گروه دوم مطالعات، به بررسی ارتباط میان ویژگی‌های شخصیتی فرد و رضایت زناشویی همسرش پرداخته‌اند. به عبارت دیگر، این مطالعات به دنبال پاسخ این پرسش هستند که کدام همسر از رابطه زناشویی رضایت دارد؟ (نیر و همکاران، ۲۰۰۴). برای نمونه، دونالد، لارسن-ریف، و کانگر (۲۰۰۵) نشان دادند که ویژگی‌های شخصیتی افراد کیفیت خوب رابطه با همسرشان را در اوائل بزرگسالی پیش‌بینی می‌نماید. گروه سوم مطالعات، به ارتباط میان رضایت زناشویی و شخصیت همسران توجه نمودند. آن‌ها می‌خواستند بدانند که چگونه شباهت یا عدم شباهت ویژگی‌های شخصیتی همسران با رضایت زناشویی آن‌ها مرتبط است (نیر و همکاران، ۲۰۰۴). برای مثال، لو و کلهنن (۲۰۰۵) نمونه بزرگی از زوج را مطالعه نمودند و دریافتند که رضایت زناشویی با شباهت همسران از نظر ویژگی‌های شخصیتی ارتباط دارد.

با توجه به آنچه که در بالا گفته شد، در رویکرد فردی (مطالعه ویژگی‌های فرد و یا همسرش هر کدام به تنهایی) بر قدرت پیش بینی کننده ویژگی‌های پایدار افراد در رضایت زناشویی تأکید دارد. در رویکرد فردی تلاش می‌شود تا به این پرسش پاسخ داده شود: "آیا خشنودی من در ازدواجم به خاطر این است که من دلباخته خوبی هستم؟" یا "من خشنودم به خاطر اینکه همسر خوبی دارم؟" اما پژوهش‌هایی که رویکرد دونفری (زوجی) اتخاذ می‌کنند، ویژگی‌های زوج‌ها را بررسی می‌کنند نه ویژگی‌های همسران به صورت افرادی مجزا. در اینگونه تحقیقات، متغیر دو نفری متداول که برای پیش بینی رضایت زناشویی به کار می‌رود، شباهت زوج هاست (گانت، ۲۰۰۶؛ لو و کولهمن، ۲۰۰۵). که این مجموعه تحقیقات تلاش می‌کنند به آن پاسخ دهند می‌تواند به صورت زیر باشد "آیا رضایت من از زندگی زناشویی ام به خاطر این است که من و همسرم به یکدیگر شبیه هستیم؟" (لو و همکاران، ۲۰۰۸).

برخی مطالعات تنها بر شباهت بین ویژگی‌های شخصیتی زوج‌ها تمرکز نمودند (گاتیس و همکاران، ۲۰۰۴). علاوه بر ویژگی‌های شخصیتی زوج‌ها، متغیرهای دیگری همچون ارزش‌ها، نگرش‌ها، باورها ممکن است نقش مهمی در رضایت زوج‌ها ایفا نمایند. اما یکی از متغیرهایی که اغلب نادیده گرفته شده است، سطح بلوغ عاطفی همسران و یا به گفته بوئن سطح تمایز یافتگی هر یک از زوج هاست.

از میان رویکردهای نظام‌های خانواده، در نظریه بوئن (۱۹۷۸) بررسی‌های زیادی درباره رشد و پایداری پیوندهای زناشویی انجام شده است. هسته بنیادی نظریه بوئن مفهوم تمایز خود (بلوغ عاطفی) است.

تمایز یافتگی می‌تواند هم به عنوان یک فرآیند و هم به عنوان یک ویژگی شخصیتی تلقی شود. فرآیند تمایز یافتگی فرد از خانواده اصلی اش ایجاب می‌کند که او خود را از نظام خانوادگی چندنسلی که بوسیله سطوح متفاوت دلبستگی‌های عاطفی و فرافکنی اضطراب توصیف می‌شود، متمایز کند. پس، تمایز یافتگی مستلزم آن است که فرد خودش را از اعضای خانواده اش بدون گسلس عاطفی از آن‌ها جدا نماید (کر و بوئن، ۱۹۸۸ به نقل از جینکینز، ۲۰۰۵). افراد تمایز یافته قادرند تا خود را از دلبستگی‌های عاطفی در خانواده اشان بدون قطع رابطه با آن‌ها جدا کنند. برعکس، کسانی که تمایز نیافته اند مایلند تا در روابط با والدین خود ذوب شوند و یا از نظر عاطفی از این روابط ببرند (جوهنسون والدو، ۱۹۹۸). به عبارت دیگر، افراد تمایز نیافته از نظر عاطفی به دیگران وابسته اند و به دشواری می‌توانند

برای خودشان فکر، احساس و عمل کنند. اما افراد تمایز یافته ذاتاً خود رهبرند، افکار و احساسات خاص خودشان را دارند، و اجباری در وفق دادن خود با انتظارات دیگران ندارند (توآسون و فریدلندر، ۲۰۰۰).

تمایز خود، همچنین به عنوان یک ویژگی شخصیتی در نظر گرفته شده است که نشانگر ویژگی‌های درون روانی و میان فردی است (بوئن، ۱۹۷۸؛ جوهنسون و والد، ۱۹۹۸). تمایز یافتگی درون روانی به توانایی ایجاد تعادل میان افکار و عواطف اشاره می‌کند. در صورتیکه، تمایز یافتگی میان فردی عبارتست از توانایی تجربه صمیمیت بدون به مخاطره انداختن حس استقلال فرد (اسکوورن و فریدلندر، ۱۹۹۸). اساس تمایز یافتگی درون روانی و میان فردی، سطح واکنش عاطفی است. سطوح بالای تمایز یافتگی با واکنش عاطفی اندک همراه است. (جنکینز، ۲۰۰۵).

در نظریه بوئن فرض بر این است که سطح تمایز یافتگی زن و شوهر یکی از عامل‌های کلیدی است که بر عملکرد خانواده هسته‌ای آن‌ها تأثیر می‌گذارد (بوئن، ۱۹۷۸ و پاپرو، ۱۹۹۰). زوج‌های برخوردار از سطوح بالای تمایز یافتگی تمایل دارند تا عملکرد بالاتر خانواده هسته‌ای خود را افزایش دهند. در صورتیکه در زوج‌های دارای سطوح پایین تمایز یافتگی عملکرد خانواده مختل و رضایت پایین است (کلور، ۲۰۰۹).

از این رو، با توجه به آن چه در بالا گفته شد، پژوهشگر در صدد است تا با اتخاذ رویکردی دونفره (مطالعه زوج‌ها با هم نه به صورت انفرادی) به پرسشهای زیر پاسخ دهد: آیا زوج‌هایی که از نظر ویژگی‌های شخصیتی و تمایز خود مشابه یکدیگرند، از زندگی زناشویی خود راضی‌ترند؟ آیا ویژگی‌های شخصیتی و تمایز خود قادر به پیش‌بینی رضایت زناشویی هستند؟ کدام ویژگی‌های شخصیتی با تمایز خود ارتباط دارند؟

پیشینه پژوهش:

واتسون و همکاران (۲۰۰۴) در یافتند که همسرانی که از نظر شخصیتی به یکدیگر شباهت دارند از ازدواجشان خوشنودترند.

شیوتا و لوینسون (۲۰۰۷) در نمونه‌ای از زوج‌هایی که مدت زیادی از ازدواجشان سپری شده بود، به این نتیجه رسید که شباهت زوجها در الگوی پنج‌عاملی شخصیت پیش‌بینی‌کننده رضایت زناشویی در آن‌هاست.

کاسپی و هربرنر (۱۹۹۰) دریافتند که شباهت در روانرنجورخویی با رضایت بیشتر از رابطه در زوج‌های جوان همراه است.

گانت (۲۰۰۶) نقش شباهت زوجها را در رضایت زناشویی بررسی کرد. او به این نتیجه رسید که شباهت میان همسران با سطوح بالای رضایت زناشویی و سطوح پایین تأثیرات منفی همراه است. او همچنین، نشان داد که شباهت در شخصیت و ارزش‌های زوجها قویا با رضایت زناشویی مرتبط بود، در حالیکه شباهت در زمینه نگرش‌ها و مذهب همبستگی ضعیفی با رضایت زناشویی داشت.

لو و همکاران (۲۰۰۸) به بررسی نقش ویژگی‌های شخصیتی فرد، همسر، و زوجها در پیش بینی رضایت زناشویی پرداختند. آن‌ها نشان دادند که ویژگی‌های شخصیتی زوجها در پیش بینی رضایت زناشویی نقش بیشتری نسبت به دو متغیر دیگر دارد.

اسکورن و فریدلندر (۱۹۹۸) گزارش کرده اند کسانی که واکنش عاطفی و جدایی عاطفی پایینی نشان می‌دهند و تمایز خود بالایی دارند، در پیوند زناشویی خود رضایت بیشتری را تجربه می‌کنند.

رانکین-اسکوئر و همکاران (۱۹۹۷) نشان دادند همسرانی که برای یکدیگر موقعیت‌های مناسب برای خودمختاری و استقلال بیشتری فراهم می‌آورند و همسرانی که کمتر با یکدیگر آمیختگی پیدا می‌کنند

اسکوورن (۲۰۰۰) رابطه تمایز یافتگی و سازگاری زناشویی را در ۳۹ زوج بررسی نمود. یافته‌های حاصل نشان داد که نمرات تمایز یافتگی ۷۴ درصد از واریانس رضایت زناشویی در مردها و ۶۱ درصد از واریانس رضایت زناشویی در زن‌ها را توجیه می‌کند. او همچنین، نتیجه گرفت که زوج‌هایی که واکنش عاطفی، گسلس عاطفی و آمیختگی کمتر با دیگران دارند، قادرند تا در روابط خود موقعیت من را اتخاذ نمایند و سطوح بالاتری از رضایت زناشویی را تجربه می‌کنند.

گلید (۲۰۰۵) در مطالعه خود نشان داد که تمایز خود و ابعاد آن با رضایت زناشویی رابطه دارند. بویژه نمرات گسلس عاطفی و موقعیت من در مردان و واکنش عاطفی و گسلس عاطفی در زنان بر رضایت زناشویی در طول زمان اثر می‌گذارد.

پلگ و یتزیک (۲۰۱۱) رابطه بین تمایز خود و اضطراب جدایی و شباهت بین زوجها در این متغیرها را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌ها نشان داد که زوجها در دو خرده مقیاس

تمایز خود شباهت داشتند: گسلس عاطفی و موقعیت من. در حالی که زنان سطوح بالاتری از واکنش پذیری و آمیختگی با دیگران را گزارش نمودند.

پلگ (۲۰۰۸) ارتباط بین تمایز خود و رضایت زناشویی را در ۱۲۱ زن و مرد بررسی نمود. او نشان داد که میان تمایز خود و رضایت زناشویی در زنان و مردان رابطه وجود دارد.

فرضیه‌های پژوهش:

- ۱) زوج‌هایی که ویژگی‌های شخصیتی مشابهی دارند نسبت به زوج‌هایی که ویژگی‌های شخصیتی متفاوتی دارند، از رضایت زناشویی بیشتری برخوردارند.
- ۲) زوج‌هایی که از نظر عاطفی بالغند نسبت به زوج‌هایی که نابالغند رضایت زناشویی بیشتری دارند.

روش پژوهش:

این پژوهش از نوع علی-مقایسه‌ای است.

جامعه پژوهشی:

جامعه مورد مطالعه در این تحقیق شامل کلیه زوج‌های مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و روانشناسی شهر کرج بود که حداقل دو سال از مدت ازدواج آن‌ها سپری شده بود.

روش نمونه‌گیری و جمع‌آوری داده‌ها:

نمونه مورد مطالعه در این پژوهش شامل ۱۵۰ زوج مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر کرج بود، که به صورت در دسترس انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات، در ابتدا پرسشنامه‌ها در یک برگه مجزا علاوه بر تأکید بر اهمیت پژوهش، روش تکمیل پرسشنامه‌ها توضیح داده شد. پرسشنامه‌ها باید توسط زوج (زن و شوهر) تکمیل می‌شد. محقق برای هر زوج سه پرسشنامه (پرسشنامه پنج عاملی شخصیت، رضایت زناشویی، و تمایز خود) در نظر گرفت. به عبارتی، هر زوج باید به شش پرسشنامه پاسخ می‌داد. طبق دستورالعمل ارائه شده پرسشنامه‌ها باید به تنهایی و بدون مشورت دیگری تکمیل می‌شد. علاوه بر این، روی هر پرسشنامه اطلاعات و سوالات مربوط به مشخصات دموگرافیک که شامل سن، جنس، تحصیلات، و مدت ازدواج است نیز آورده شد. سپس، کلیه پرسشنامه‌ها در مراکز مشاوره شهر کرج که برای همکاری با پژوهش اعلام آمادگی نمودند سپرده شد تا توسط مشاوران و روانشناسان آن مراکز به زوج‌های مراجعه‌کننده داده شود.

ابزارهای گردآوری اطلاعات :

الف) پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ: در این پژوهش از فرم ۴۷ سئوالی پرسشنامه زناشویی انریچ استفاده گردید. هر سؤال دارای ۵ گزینه است (کاملاً موافق، موافق و نه مخالف، مخالف، کاملاً مخالف، نظری ندارم) که به هر گزینه آن از ۱ تا ۵ یا به صورت معکوس از ۵ تا ۱ امتیاز داده می‌شود. نمره گذاری مقیاس به دو روش انجام می‌شود: ۱- نمره رضایت کلی از روابط زناشویی: که نمرات فرد در تمامی ۴۷ ماده مطابق امتیازات درج شده در کلید پرسشنامه جمع شده و نمره رضایت کلی را تشکیل می‌دهد. ۲- نمره مقیاس‌های فرعی: که شامل موضوعات شخصیتی، ارتباط زناشویی، حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت‌های اوقات فراغت، روابط جنسی، ازدواج و فرزندان، اقوام و دوستان، و جهت گیری مذهبی است که در مجموع نمرات را برای هر یک از مقیاس‌های فرعی به صورت جداگانه محاسبه کرده و سپس مجموع نمره هر مقیاس را بر عدد ۵ تقسیم می‌کنیم. سلیمانیان (۱۳۷۳) همبستگی درونی آزمون را برای فرم کوتاه ۰/۹۵ به دست آوردند. و در پژوهشی دیگر، مهدویان (۱۳۷۶) پایایی آزمون را با استفاده از روش بازآزمایی با فاصله زمانی یک هفته برای مردان ۰/۹۳ و برای زنان ۰/۹۴ گزارش نمود. در نهایت، مردانی حمله و حیدری (۱۳۸۹) نشان دادند که این ابزار دارای روایی محتوایی بوده و پایایی آنرا به روش بازآزمایی ۰/۸۲ به دست آوردند.

ب) پرسشنامه پنج عاملی شخصیت: فرم خلاصه شده پرسشنامه پنج عامل ، یک مقیاس مداد و کاغذی با ۴۴ گویه است. این پرسشنامه ویژگی های اصلی پنج عامل (روان رنجور خوبی ، برونگرایی ، گشودگی ، سازگاری و خودآگاهی) را از طریق عبارات کوتاه اندازه گیری می کند و روی یک مقیاس پنج درجه‌ای از کاملاً مخالف = ۱ ، تا حدودی مخالف = ۲ ، نه موافق و نه مخالف = ۳ ، تا حدودی موافق = ۴ ، کاملاً موافق = ۵ درجه بندی می شود.

شکری و همکاران (۱۳۸۵) ضریب پایایی آن را با استفاده از روش آلفای کرانباخ برای عامل روان رنجور خوبی ۰/۷۹ ، برونگرایی ۰/۶۴ ، گشودگی ۰/۷۹ ، سازگاری ۰/۵۵ و خودآگاهی ۰/۸۳ محاسبه نموده اند. همچنین، جعفرنژاد و همکاران (۱۳۸۴)، ضریب پایایی این پرسشنامه با روش آلفای کرانباخ محاسبه و ضریب محاسبه شده آن برای عامل های روان رنجور خوبی، برونگرایی، پذیرش، سازگاری و خودآگاهی را به ترتیب ۰/۷۰، ۰/۷۷، ۰/۵۶ و ۰/۸۲ بدست آورده اند.

در پژوهش زندی پور، آزادی و ناهیدپور (۱۳۹۰) پایایی این ابزار از طریق آلفای کرانباخ محاسبه شد. ضریب پایایی کل این ابزار ۰/۹۰، و برای خرده مقیاس‌های روانرنجورخویی، برونگرایی، گشودگی، سازگاری و خودآگاهی به ترتیب برابر با ۰/۸۶، ۰/۷۴، ۰/۷۷، ۰/۷۲، و ۰/۸۵ به دست آمد.

ج) پرسشنامه تمایز خود (بلوغ عاطفی): این پرسشنامه که برای سنجش میزان تمایزیافتگی زوجها به کار می‌رود ۴۵ پرسش دارد و پاسخ دهی به پرسش‌ها با مقیاس شش گزینه‌ای لیکرت انجام می‌شود. نمره بالا به معنای تمایزیافتگی و نمره پایین به معنای تمایزنیافتگی است. این پرسش نامه چهار خرده آزمون واکنش عاطفی، جدایی عاطفی، آمیختگی با دیگران، و موقعیت من را دربرمی گیرد. اسکورن و اسمیت (۲۰۰۳) پایایی کل پرسشنامه و خرده مقیاس‌های آن را با استفاده از روش آلفای کرانباخ به شرح زیر به دست آورد: واکنش عاطفی ۰/۸۹، موقعیت من ۰/۸۱، جدایی عاطفی ۰/۸۲، و آمیختگی با دیگران ۰/۸۵. در ایران، نجفلویی (۱۳۸۵) نیز پایایی این ابزار را با استفاده از آلفای کرانباخ به شرح زیر به دست آورد: کل پرسشنامه ۰/۷۲، واکنش عاطفی ۰/۸۱، جدایی عاطفی، ۰/۷۶، آمیختگی با دیگران ۰/۷۹، و موقعیت من ۰/۶۴.

در پژوهش کنونی نیز پایایی کل این پرسشنامه با استفاده از روش بازآزمایی با استفاده از یک نمونه ۳۰ نفری ۰/۹۳ به دست آمد و روایی محتوایی آن نیز توسط سه نفر از متخصصان مشاوره خانواده مورد تایید قرار گرفت.

یافته‌ها:

میانگین سنی زنان و شوهران مورد مطالعه به ترتیب برابر با ۳۵/۱۰ و ۴۰/۲۸ و میانگین مدت ازدواج آنها ۱۲/۹۱ سال بود. از نظر سطح تحصیلات شوهران، ۴٪ زیر دیپلم، ۳۴٪ دیپلم و ۶۳٪ بالای دیپلم بودند و ۴٪ زنان تحصیلاتشان زیردیپلم، ۶۶٪ دیپلم و ۳۰٪ بالای دیپلم بود.

جدول (۱) تی محاسبه شده برای مقایسه میزان رضایت زناشویی در زوجها دارای ویژگی‌های

شخصیتی مشابه و متفاوت

گروه	میانگین	df	t	سطح معناداری (P)
زوج‌های دارای ویژگی‌های شخصیتی مشابه	۲۴۵/۳۶	۱۴۸	۴/۰۵	۰/۰۰۰
زوج‌های دارای ویژگی‌های شخصیتی متفاوت	۲۱۴/۶۰			

برای مقایسه میزان رضایت زناشویی در زوج‌های دارای ویژگی‌های شخصیتی مشابه و متفاوت از آزمون تی برای گروه‌های مستقل استفاده شد. همانگونه که ملاحظه می‌شود، مقدار تی محاسبه شده برابر با (۴/۰۵) است که این مقدار از نظر آماری در سطح ۰/۱٪ معنادار هستند. بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت زوج‌های دارای ویژگی‌های شخصیتی مشابه نسبت به زوج‌های دارای ویژگی‌های شخصیتی متفاوت از رضایت زناشویی بیشتری برخوردارند.

جدول (۲) تی محاسبه شده برای مقایسه میزان رضایت زناشویی در زوج‌های بالغ و زوج‌های نابالغ از نظر عاطفی (زوج‌های تمایز یافته و تمایز نیافته)

گروه	تعداد	میانگین	df	t	سطح معناداری (P)
زوج‌های بالغ	۸۵	۲۳۱/۱۰	۱۴۸	۳/۲۱	۰/۰۰۲
زوج‌های نابالغ	۶۵	۲۱۳			

برای مقایسه رضایت زناشویی در زوج‌های بالغ و نابالغ از نظر عاطفی از آزمون تی برای گروه‌های مستقل استفاده شد. همانگونه که ملاحظه می‌شود، مقدار تی محاسبه شده برابر با (۳/۲۱) است که این مقدار از نظر آماری در سطح ۰/۱٪ معنادار هستند. بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت زوج‌های بالغ نسبت به زوج‌های نابالغ از نظر عاطفی از رضایت زناشویی بیشتری برخوردارند.

بحث و نتیجه‌گیری:

مطابق یافته‌های جدول (۱) زوج‌های دارای ویژگی‌های شخصیتی مشابه نسبت به زوج‌های دارای ویژگی‌های شخصیتی متفاوت از رضایت زناشویی بیشتری برخوردارند. این یافته با پژوهش‌های انجام شده در این زمینه همسو است. برای نمونه، پژوهش واتسون و همکاران (۲۰۰۴) دریافتند همسرانی که از نظر شخصیتی به یکدیگر شباهت دارند از ازدواجشان رضایت بیشتری دارند. یافته‌های این پژوهش همچنین، با یافته‌های گانت (۲۰۰۶)، لو و همکاران (۲۰۰۸)، لو و کلهنن (۲۰۰۵)، شیوتا و لوینسون (۲۰۰۷)، کاسپی و هرینر (۱۹۹۰) همسو است.

از این یافته‌ها چنین بر می‌آید زوج‌هایی که از نظر ویژگی‌های شخصیتی به یکدیگر شباهت دارند، بروز سوء تفاهم و تعارض، و شکست رابطه زناشویی خود را کاهش می‌دهند، در نتیجه، رضایتمندی زناشویی و برقراری تعاملات مثبت میان آنان افزایش می‌یابد. در این

راستا، کلی (Kelly) نیز بیان کرد علت اینکه شباهت همسران منجر به رضایت زناشویی آن‌ها می‌شود ممکن است به این دلیل باشد که آنها کمتر می‌خواهند که یکدیگر را تغییر دهند و انگیزه کمتری برای تغییر خود دارند.

یافته‌های **جدول (۲)** نشان‌دهنده آن است که زوج‌های بالغ نسبت به زوج‌های نابالغ از نظر عاطفی از رضایت زناشویی بیشتری برخوردارند. همسو با نتایج این پژوهش، اسکورن و فریدلندر (۱۹۹۸) گزارش کرده‌اند کسانی که واکنش عاطفی و جدایی عاطفی پایینی نشان می‌دهند و تمایز خود بالایی دارند، در پیوند زناشویی خود رضایت بیشتری را تجربه می‌کنند.

رانکین-اسکوئر و همکاران (۱۹۹۷) نشان دادند همسرانی که برای یکدیگر موقعیت‌های مناسب برای خودمختاری و استقلال بیشتری فراهم می‌آورند و همسرانی که کمتر با یکدیگر آمیختگی پیدا می‌کنند واز تمایز خود بالایی برخوردارند رضایتمندی زناشویی بیشتری را گزارش می‌کنند. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت افراد تمایز یافته همسری را انتخاب می‌کنند که از نظر میزان تمایز یافتگی شبیه خودشان باشد و در نتیجه هر چه میزان تمایز یافتگی همسران بیشتر باشد احتمال بروز تعارض و بی‌ثباتی در رابطه زناشویی آن‌ها کاهش می‌یابد. زیرا همسران برای حل مشکلات خود از روش‌های سازنده تری استفاده می‌کنند. از این رو، برای اینکه افراد در ازدواجشان موفق باشند نیاز دارند تا نسبت به اثرات منفی احتمالی مقاوم باشند. داشتن یک حس قوی از هویت شخصی برای این مقاومت ضروری است (روبرتو-فورمن، ۲۰۰۲، ص ۱۷۸). این حس قوی هویت شخصی تمایز یافتگی یا بلوغ عاطفی نامیده می‌شود که شامل حس داشتن اهداف شخصی، شناخت خود و هدایت خود است. همچنین، حل مسائل شخصی، اصلاح خود و تغییر را ممکن می‌سازد (روبرتو-فورمن، ۲۰۰۲، ص ۱۷۸). این ویژگی‌ها، یعنی حل مسائل شخصی و تغییر خود که از تمایز یافتگی ناشی می‌شوند، به نظر می‌رسد برای غلبه بر الگوهای تعاملی منفی آموخته شده در محیط خانوادگی آشفته ضرورت دارند و از آوردن این الگوهای منفی در روابط دوران بزرگسالی مانند ازدواج جلوگیری می‌کنند که منجر به خشنودی و رضایت بیشتر از ازدواج می‌گردند.

منابع:

1. Barelds, Dick. P.H., & Barelds-Dijkstra, Pieter. (2006). Partner personality in distressed relationships. *Journal of clinical psychology and psychotherapy*, 13, 392-396.
2. Bowen, M. (1978). *Family therapy in clinical practice*. New York: Aronson.
3. Bradbury, T.N., Fincham, F.D., & Beach, S.R.H. (2000). Research on the nature and determinants of marital satisfaction: A decade in review. *Journal of Marriage and the Family*, 62, 964-980.
4. Caspi, A., & Herbener, E.S. (1990). Continuity and change: Assortative marriage and the consistency of personality in adulthood. *Journal of personality and social psychology*, 58, 250-258.
5. Chen, Zi., Tanaka, Nao., Uji, Masayo., Hiramura, Hidetoshi and Shikai, Noriko (2007). The Role of Personalities in the Marital Adjustment of Japanese Couples. *Social Behavior and personality*, 35(4), 561-572.
6. Donnellan, M. B., Larsen-Rife, D., & Conger, R. D. (2005). **Personality, family history, and competence in early adult romantic relationships**. *Journal of Personality and Social Psychology*, 88, 562-576.
7. Gaunt, R. (2006). Couple similarity and marital satisfaction: Are similar spouses happier? *Journal of personality*, 74, 1401-1420.
8. Glade., A.C (2005). Differentiation, marital satisfaction and Depressive symptoms: An application of Bowen theory. Doctora theses, Ohio State University.
9. Gottman, J.M., & Levenson, R.W. (2000a). The timing of divorce: Predicting when a couple will divorce over a 14-years period. *Journal of Marriage and the Family*, 62, 737-745.
10. Guttis, K.S., Berns, S., Simpson, L.E., & Christensen, A. (2004). Birds of a feather or strange birds? Ties among personality dimensions, similarity, and marital quality. *Journal of family psychology*, 18, 564-574.
11. Jafarnezhad, P. (1384). Primery study on validity and reliability of brief big five factor of personality inventory. MA Tessie. Tarbyat moalem university.[persian]
12. Jenkins, Steve.M., Buboltz Jr, Walter.C., Schwartz, Jonathan.P., & Johenson, Patrick. (2005). Differentiation of self and psychosocial development. *Contemporary Family Therapy*, 27(2), 251-261.
13. Johnson, P., & Waldo, M. (1998). Integrating Minuchin's boundary continuum and Bowen's differentiation scale: A curvilinea representation. *Contemporary Family Therapy*, 20, 403-413.

14. Klever, Phillip., (2009). Goal direction and effectiveness, emotional maturity, and nuclear family functioning. *Journal of Marital and Family Therapy*, 35(3), 308-342.
15. Luo, S., & Klohnen, E.C. (2005). Assortative mating and marital quality in newlyweds: A couple-centered approach. *Journal of personality and social psychology*, 88, 304-326.
16. Luo, S., Chen.Hao, Yue. Guoan, Zang. Guangjian, Zhaoyang. Ruixue, & Xu, Dan. (2008). Predicting marital satisfaction from self, partner, and couple characteristics: Is it me, you, or us? *Journal of personality*, 76, 1231-1265.
17. Mardani, H.M., & Heidari, H. (2010).The relationship of optimism and attachment styles with marital satisfaction in hospital staff. *Journal of Oromih Parastari and mamaee department*, 1(8), 46-52. [Persian]
18. Najaflooe, f. (2006). The role of self-differentiation in marital relations. *Journal of New thoughts on education*, 2, 27-37. [Persian]
19. Neyer, Franz J., and Voigt, Daniel.(2004). Personality and Social Network Effects on Romantic Relationships: A Dyadic Approach. *European Journal of Personality*, 18: 279–299.
20. Papero, D. V. (1990). *Bowen family systems theory*. Boston: Allyn and Bacon.
21. Peleg, Ora (2008). The Relation Between Differentiation of Self and Marital Satisfaction: What Can Be Learned From Married People Over the Course of Life? *The American Journal of Family Therapy*, 36:388–401.
22. Peleg, ora., & Yitzhak, Meital. (2011). Differentiation of Self and Separation Anxiety: Is There a Similarity Between Spouses? *Contemporary Family Therapy: An International Journal*, Vol. 33, 25-36,
23. Rankin-Esquer, L.A., Burnett, C.K., Baucom, D,H., & Epstein, N. (1997). Autonomy and relatedness in marital functioning. *Journal of marital and family therapy*, 23(2), 175-190.
24. Roberto-Forman,L (2002). Transgenerational marital therapy. In Gurman, A.S. & Jacobson, N.S. (Eds.), *Clinical handbook of couple therapy* (118-147). New York, NY: The Guilford Press.
25. Robins, R.W., caspi, A., & Moffitt, T.E. (2000). Two personalities, one relationship: Both partners personality traits shape the quality of their relationship. *Journal of personality and social psychology*,79, 251-259.
26. Shiota, M. N., & Levenson, R. W. (2007). Birds of a feather don't always fly farthest: Similarity in Big Five personality predicts more negative marital satisfaction trajectories in long-term marriages. *Psychology and Aging*, 22, 666–67.

27. Shokri, O. and Colleges. (1385). The role of students personality traits and coping styles on students mental health: presentation of casual model. The article collection of third students mental health symposiums. Elm & sanat university-Iran. [Persian]
28. Skowron, E. A. (2000). The role of differentiation of self in marital adjustment. *Journal of Counseling Psychology*, 47(2), 229-237.
29. Skowron & Friendlander, M.L. (1998). The differentiation of self Inventory: Development and initial validation. *Journal of Counseling Psychology*, 45, 235-246.
30. Skowron, E. A., & Schmitt, T. A. (2003). Assessing interpersonal fusion: Reliability and validity of a new DSI Fusion with Others subscale. *Journal of Marital and Family Therapy*, 29, 209-222.
31. Soleymanian, A.A. (1373). The Investigation of effect of irrational believes on the basis of cognitive approach on marital satisfaction. Thesis of master of Counseling, Tarbiat moalem university. [Persian]
32. Tuason, M.T., & Friendlander, M.L. (2000). Do parents differentiation levels predict those of their adult children? And other tests of Bowen Theory in Philippine sample. *Journal of psychology*, 47, 27-35.
33. Watson, D., Hubbard, B., & Wiese, D. (2000). General traits of personality and affectivity as predictors of satisfaction in intimate relationships: Evidence from self- and partner-ratings. *Journal of personality*, 68, 413-449.
34. Watson, D., Klohn, E. C., Casillas, A., Simms, E. N., Haig, J., & Berry, D. S. (2004). Match makers and deal breakers: Analyses of assortative mating in newlywed couples. *Journal of Personality*, 72, 1029-1068.
35. Zandipour, T., Azadi, S., & Nahidpour., F. (2011). A Study on the relationship between forgiveness ,personality traits, mental helth in married students of Gachsaran azad university. *Journal of woman and society*, 2, 1-18. [Persian]

